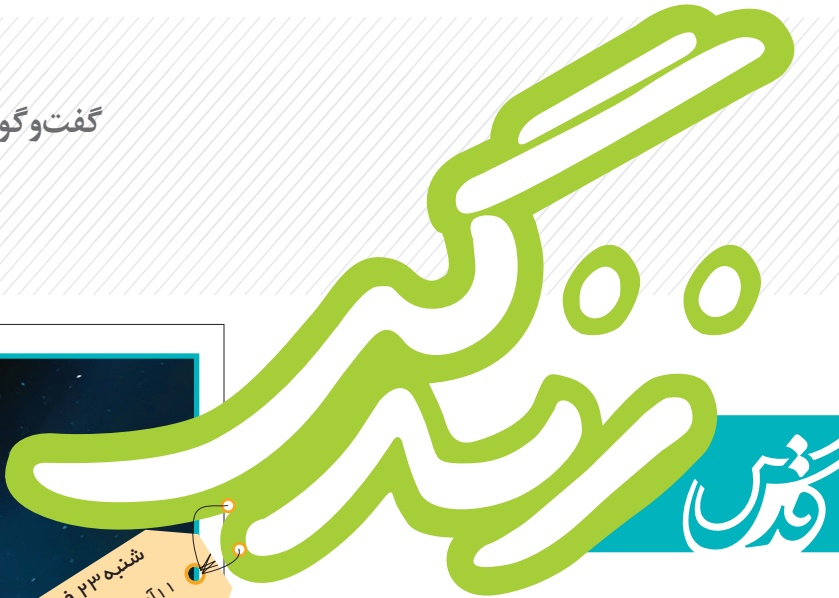




گفت‌وگو با عباس زارعی به انگیزه انتشار تازه‌ترین ترجمه‌اش که مورد اقبال مخاطب قرار گرفته است

اگر حقیقت این باشد...



یک تیر و دو نشان فدراسیون فوتبال

پشت پرده خداحافظی احتمالی با اسکوچیچ

بنفیکا و اسپورتینگ پیشقدم شدند

طارمی در رادار مدعیان لیگ پر تغال

ورزش: ستاره ایرانی شاغل در لیگ پرتغال در رادار یکی از پرافتخارترین و مهم‌ترین باشگاه‌های این کشور قرار گرفته است. سایت رکورد پرتغال با انتشار گزارشی نوشت: «مهدی طارمی ستاره خط حمله تیم ریواوه در رادار روبرت آموریس سرمربی تیم اسپورتینگ لیسبون قرار گرفته است. طارمی در این فصل و پس از حضور در ریواوه نمایش درخشانی برای این تیم داشته است، او در مجموع ۲۴ بازی برای این تیم در سه جام انجام داده و ۱۱ گل زده و پنج پاس گل داده است و همین سبب شده تا سرمربی ۳۵ ساله اسپورتینگ لیسبون باردیگر انگشت‌علاقش را به سمت مهدی طارمی مهاجم ایرانی نشانه بگیرد. اسپورتینگ در این فصل در خط حمله عملکرد خوبی نداشته و شاید یکی از دلایلی که این تیم در حال حاضر در رده چهارم رده‌بندی لیگ پرتغال قرار دارد همین موضوع باشد. آن‌ها در این فصل تا اینجا در مجموع ۳۷ گل به ثمر رسانده‌اند....»



«سادو مانه» گذشته خود را فراموش نمی‌کند

ساخت بیمارستان، مسجد و مدرسه توسط ستاره مسلمان لیورپول

مجاز آباد

معجزه است یا نیست؟

«بی بی سی فارسی» به‌تازگی خبر و تصویری از درمان مبتلایان به کرونا در آمریکا به‌وسیله پلاسمای خون را منتشر پلاسما در نیویورک، آیا معجزه نزدیک است؟



کرد و زیرش نوشت: «آیا معجزه نزدیک است؟» این اقدام رسانه انگلیسی، واقعاً برای ما ایرانی‌ها مصداق ضرب‌المثل معروف «مرغ همسایه غاز است» تلقی می‌شود. یکی از کاربران توئیتر هم با انتشار تصویری از این خبر مثلاً تازه بی بی سی فارسی نوشت: «استفاده از پلاسما برای بهبود بیماران کرونایی در حدود یک ماه پیش معجزه نیست، ولی آغاز درمان با پلاسما در آمریکا معجزه است!»

چین را از سر راه بردارید

علی قلی‌کلی، فعال رسانه‌ای در کانال تلگرامی خود نوشت: «حالا دلایل حمله بی‌بی‌سی، علی مطهری، مهناز افشار و کل شبکه رسانه‌ای آن‌ها به چین به واسطه توئییت و منشن سفیر این کشور بهتر درک می‌شود. مقصد عمده صادرات ایران در سال ۹۷ و ۹۸ به چین و عراق بوده و مهم‌ترین شریان‌ها در دوران تحریم‌ها هستند. برای تخریب رابطه ایران و عراق بحث «سیغه زنان و دختران ایرانی توسط زوار عراقی مشهد و قم» (که باز هم بی بی سی و مهناز افشار پرچمدار بودند) مطرح شد و برای تخریب رابطه ایران و چین هم جهانبور «سخنگوی وزارت بهداشت- پیشقدم گردید».

ارسطو قاچاچی نیست!

پس از بالا گرفتن نقدهای منصفانه و البته غیرمنصفانه درباره سربال پایتخت ۶ حالا ضرغامی رئیس پیشین صدا و سیما هم وارد گود نقد شده و در صفحه‌اش نوشته است: «ارسطو قاچاقچی نیست! صرف نظر از چند نقد بجا به پایتخت ۶، باید مراقب بود که موارد مثبت سربال، به‌عنوان نکات منفی آن مطرح نشود. از جمله قاچاقچی شدن ارسطو در این قسمت، اینکه خیلی از آدم‌ها به دلیل تخلف‌های حقوقی با ارقام پایین سرکارشان به حبس می‌افتد و بعد از خلاصی و بسته بودن همه درهای زندگی سالم اجتماعی، مجبور به ارتکاب جرم می‌شوند، واقعیت امروز جامعه ماست...»

عضوی از خانواده‌ام هستی

این روزها توئییت یکی از کاربران انگلیسی توئیتر حسایی در این شبکه اجتماعی ترند شده است. این زن انگلیسی با انتشار تصویری از کمک‌های همسایه مسلمانش به او، نوشته است: «همسایه مسلمان من تا فهمید در قرنطینه خانگی هستم، یک بسته شامل میوه تازه، سالاد و ضدعفونی‌کننده از پنجره برایم فرستاد، از او پرسیدم چه چیزی در مقابلش باید بدم؟ جواب داد:هیچ‌چیز؛ تو همسایه من هستی، پس عضوی از خانواده‌ام هستی.»



کندی اینترنت زیر سر صداسیماست یا کم‌کاری وزارت ارتباطات؟

این فرکانس‌های طلایی

شکبه‌های **HD** نگه داشته است. دآوری‌نژاد در این‌باره هم گفته است: «بخش **HD** زمینگی هم اکنون از سوسی سازمان صدا و سیما در حال انجام است و روی ماهواره نیز به راحتی ماهواره **HD** قابل اجاره است که به مراتب ارزان‌تر از فرکانس رادیویی است. این موضوع که گفته می‌شود از فرکانس‌های ۷۰۰ و ۸۰۰ خواهند برای پخش **HD** استفاده کنند به هیچ‌وجه منتقدان آقاسی وزیر معتقدند آذری جهرمی کم‌کاری وزارت‌تخانه‌اش در تخصیص درست منابع و تجهیزات و در تأمین سرعت اینترنت را به دوش فرکانس‌های در اختیار صداسیما می‌اندازد و به دلیل آنکه مردم از شبکه باکیفیت و ارزان‌وای فای‌خانگی محروم هستند، تلاش دارد مردم را مجبور به خرید اینترنت گران‌مواییل کند. موضوعی که کارشناسان هم کمی تا قسمتی با آن موافقتند این کارشناسان می‌گویند افت سرعت شبکه اینترنت موبایل و ثابت، ریشه در ضعف‌های ساختاری وزارت ارتباطات دارد. ضعف‌هایی مثل عدم به‌روزرسانی تجهیزات میان لایه‌ای شبکه و ضعف ساختار شبکه ملی اطلاعات که سبب شده مردم مجبور به استفاده از اینترنت گرانقیمت همراه شوند.

در این میان این موضوع نیز از سوی کارشناسان مطرح شده که اولویت استفاده فرکانس‌های ۷۰۰ و ۸۰۰ به خاطر پوشش بالا، در خدمات عمومی رایگان از جمله خدمات نظامی، امداد و خبررسانی است. قدیمی یا پیش‌بگذارند تا بتوانند با اختیار گرفتن باندهای فرکانسی ۷۰۰ و ۸۰۰ برای ظرفیت‌سازی توسعه شبکه موبایل در شرایط کنونی استفاده کند. **کم‌کاری وزارت ارتباطات** خیلی‌ها اما آذری جهرمی را بابت طرح این موضوع در شرایط فعلی مورد انتقاد شدید قرار داده‌اند. اظهارنظر کارشناسی نیست، چرا که این باند فرکانسی بسیار ارزشمند است و در دنیا نیز بیشترین استفاده آن برای توسعه شبکه‌های موبایل است. در زمانی که همه کشورها در حال حرکت به سمت **5G** هستند، این باندهای فرکانسی ارزان قیمت، بسیار کاربردی هستند.» دآوری‌نژاد البته در ادامه صحبت‌هایش، ادعای جهرمی درباره کند بودن اینترنت به دلیل عدم دسترسی وزارت ارتباطات به فرکانس ۷۰۰ تا ۸۰۰ را هم رد کرده و درباره حداقل مدت زمان بهره‌برداری از این موج فرکانسی در کشورمان هم گفته است: «تحقق **5G** در کشور نیازمند سرمایه‌گذاری و طراحی شبکه است. کیفیت فعلی اینترنت به موضوع فرکانس ۷۰۰ و ۸۰۰ ربطی ندارد، چرا که کیفیت در داخل کشور نیازمند تأمین تجهیزات است و شبکه انتقال باید جواب بدهد، اما هم اکنون ظرفیت توسعه در کشور وجود ندارد. اینترنت به تنهایی به کار نمی‌آید وقتی ظرفیت توسعه داخلی وجود ندارد. در این شرایط حتی هزار گیگ اینترنت رایگان نیز کاربردی نخواهد داشت.»

اهرم فشار

این روزها بحث فرکانس طلایی آن‌قدر در فضای مجازی بالا گرفته که نمایندگان مجلس هم به آن ورود کرده‌اند. اما اگر خاطراتان باشد سال ۹۷ هم که وزیر ارتباطات پیشنهاد استفاده بهینه از این باندهای فرکانسی را در لایحه بودجه سال ۹۸ به مجلس شورای اسلامی ارائه داده بود، پای این فرکانس به بهارستان باز شده بود اما در نهایت مجلسی‌ها به این نتیجه رسیدند که حل اختلاف را به عهده دو سازمان واگذار کنند. از آن طرف رسول جلیلی، عضو شورای عالی فضای مجازی هم زیرفشار رسانه‌ها و کاربران فرکانس به بهارستان باز توپ را از زمین صداسیما بیرون انداخته و گفته است: «شورای عالی فضای مجازی تا امروز هیچ دستوری از وزارت ارتباطات مبنی بر رسیدگی به فرکانس ۷۰۰ و ۸۰۰ در اختیار رسانه ملی نگرفته است. در واقع این موضوع نه در این برهه زمانی بلکه در زمانی مشخص و به دور از حواشی و جدال باید با حضور رئیس سازمان صدا و سیما و وزارت ارتباطات در شورای عالی فضای مجازی مطرح شود و پس از نظرات کارشناسی و با در نظر گرفتن حق و حقوق هر دو دستگاه اجرایی به آن رسیدگی شود.» گذشته از این موضوع که در این ماجرا حق با صداسیماست یا وزارت ارتباطات، به نظر می‌رسد آقای وزیر، کرونا و افکار عمومی را تبدیل به اهرم این فرکانس را بفروشد! دآوری‌نژاد در این‌باره می‌گوید: «هم اکنون مناقشه و دعوا در مورد این فضای فرکانسی بر سر خرید و فروش آن است و این درحالی است که از نظر قانونی مالکیت فرکانس در اختیار دولت است. بیشترین استفاده از فرکانس ۷۰۰ در دنیا برای توسعه موبایل است.»

از آن طرف نظریه دیگری هم در فضای مجازی منتشر شده که معتقد است صداسیما فرکانس را برای توسعه هزار گیگ اینترنت هم فایده ندارد مسعود دآوری‌نژاد، رئیس اسبق سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات ادعا می‌کند دلیل عدم واگذاری این فرکانس از سوی صداسیما این است که این سازمان می‌خواهد این فرکانس را بفروشد! دآوری‌نژاد در این‌باره می‌گوید: «هم اکنون مناقشه و دعوا در مورد این فضای فرکانسی بر سر خرید و فروش آن است و این درحالی است که از نظر قانونی مالکیت فرکانس در اختیار دولت است. بیشترین استفاده از فرکانس ۷۰۰ در دنیا برای توسعه موبایل است.»

محمد تربت‌زاده | صداسیما در روزهای کرونایی بیشتر از همیشه زیر تیغ انتقاد کاربران فضای مجازی قرار گرفته است. این‌بار البته نه برای کیفیت و محتوای برنامه‌هایش، بلکه به‌خاطر توئییتی که وزیر ارتباطات حدود یک هفته پیش در صفحه شخصی‌اش منتشر کرد. آذری جهرمی هفته پیش در پاسخ به انتقادهای مکرر کاربران در زمینه کندی سرعت اینترنت، در توئیتر نوشته بود: «مسئولیت را می‌پذیرم. تلاش کردیم اما مصرف نسبت به یک اسفند حدود دو و نیم برابر شده. از اول هفته نصب ۸۰۰ هزار پورت **VDSL** در تهران آغاز شده که یک‌ماهه تمام می‌شه. موبایل رو ارتقا دادیم، اما شکبهی موبایل فرکانس لازم داره که فعلاً در اختیار صداسیماست و تا فرکانس آزاد نشه، دیگه ظرفیت بالاتر نمیره.»

حمله‌های مجازی به صداسیما بلافاصله پس از انتشار این توئییت آغاز شد و فعالان مجازی بحثی را به نام «فرکانس ۷۰۰ تا ۸۰۰» در این فضا راه انداختند که در مدت زمان کوتاهی تبدیل به یکی از ترندهای توئیتر فارسی شد. اما فرکانس ۷۰۰ تا ۸۰۰ چه ویژگی خاصی دارد و ماجرای اختلاف صداسیما و وزارت ارتباطات بر سر این فرکانس جنجالی چیست؟

فرکانس ۷۰۰ تا ۸۰۰

نقطه اختلاف میان صدا و سیما و وزارت ارتباطات مربوط به مالکیت و بهره‌برداری از فرکانس رادیویی ۷۰۰ و ۸۰۰ مگاهرتز به چندین سال پیش برمی‌گردد. این باندهای فرکانسی زمانی برای پخش آنالوگ برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، در اختیار صداسیما قرار گرفته بود، اما حالا با تغییر بخش برنامه‌های تلویزیونی به دیجیتال، این باندهای فرکانسی بدون استفاده مانده است. در این میان وزارت ارتباطات مالکیت این سرمایه ملی را مطابق قانون و مقررات مدیریت طیف فرکانس، برای خودش می‌داند اما سازمان صدا و سیما حاضر نیست این فضای فرکانسی را ببرداند. فرکانس ۷۰۰ تا ۸۰۰ به دلیل برد بالایی که دارد، در جهان به فرکانس طلایی معروف شده و حتی اتحادیه جهانی مخابرات از حدود پنج سال پیش مقرر کرده پخش آنالوگ برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در باندهای فرکانسی ۷۰۰ و ۸۰۰ مگاهرتز متوقف و این فضا، برای بهره‌برداری دیجیتالی مورد استفاده قرار گیرد.

وزیر زیر بار نمی‌رود

هرچند مناقشه میان صداسیما و وزارت ارتباطات بر سر فرکانس ۷۰۰ تا ۸۰۰ چندین سال است که ادامه دارد اما این روزها به دلیل افزایش مصرف اینترنت و همچنین توئییت جنجالی‌س وزیر ارتباطات، این دعوی میان سازمانی یک بار دیگر رسانه‌ای شده است. وزیر ارتباطات معتقد است در شرایط فعلی بحران کرونا، و ۸۰۰ مگاهرتز از این فضا برای توسعه ظرفیت موبایل و رفع کندی سرعت اینترنت استفاده کند، اما کارشناسان معتقدند استفاده از این باند فرکانسی برای توسعه ظرفیت شبکه موبایل، زمانبر بوده و نیازمند سرمایه‌گذاری است. وزیر جوان اما زیر بار نمی‌رود و حتی به رئیس جمهور و ستاد ملی مقابله با کرونا هم نامه نوشته و از دولت خواسته برای حل این اختلاف



کرونا نوشت

عباسعلی سپاهی بونسی

بچه‌ها که نگاه به در می‌کنند



عباسعلی سپاهی بونسی | این روزها سخت می‌گذرد. به نظر من حتی به آن‌هایی که می‌خواهند خودشان را قوی نشان بدهند و به دیگران هم روحیه بدهند سخت می‌گذرد. اصلاً وقتی پای اجبار در کار و رفتاری به میان می‌آید، تمایل آدم به انجام آن کار و رفتار کم می‌شود. حالا ماجرای ماست که اجبار در خانه ماندن برای همه ما نوشته شده است. بعضی‌ها البته انکار شامل این اجبار نیستند و این توافق جمعی جهانی را نادیده می‌گیرند. باز این افراد هم دو گروه می‌شوند.

آن‌هایی که نان خانواده را روزانه درمی‌آورند و اگر یک روز سر گذر نروند یا اگر به مغازه اجارهای خودشان نروند، چرخ زندگیشان نمی‌چرخد. اما گروهی هم هستند که دستشان به دهانشان که می‌رسد هیچ، تا پشت سرشان هم می‌رسد اما باز بیرون می‌آیند و لابد توجیهی برای بیرون آمدن خودشان دارند.

چیزی که بین این دو گروه مشترک است این است که بالاخره از چهار دیواری خانه بیرون می‌زنند. اما در شهرها گروهی هستند که این روزها به هیچ عنوان بیرون نمی‌آیند و کسی هم به دیدن آن‌ها نمی‌رود. وقتی به خودم فکر می‌کنم می‌بینم در این بیش از یک ماه بالاخره برای خرید مایحتاج تا سر کوچه رفته‌ام و آسمان را دیده‌ام، اما فکرش را نکنید بچه‌ها و بزرگ‌ترهایی که در مراکز خریدیه نگهداری می‌شوند الان بیش از یک ماه است که بیرون نیامده‌اند.

خیلی از این بچه‌ها یا پدر و مادری ندارند و یا اگر دارند پدر و مادر مؤثری ندارند که اگر داشتند، کار بچه‌های بی‌نگاه به مراکز خیریه نمی‌کشید. این جور بچه‌ها همه امیدشان شرکت در برنامه‌هایی است که خیران برای آن‌ها تدارک می‌بینند.

غیر از شرکت در این برنامه‌ها و یا شرکت در برنامه‌هایی که مرکزی که در آن نگهداری می‌شوند برای آن‌ها تدارک می‌بینند، دلخوشی دیگر این بچه‌ها سر زند‌های مردم خیر و نودعوست به این بچه‌هاست که آن هم این روزها تعطیل شده است. آدم‌هایی هستند که به طور مرتب به این مراکز سر می‌زنند و حالا نمی‌توانند میهمان این مراکز شوند تا لبخندی بر لب بچه‌ها و آدم‌هایی نبینانند که در مراکز نگهداری از بچه‌های بی‌سرپرست و یا بد سرپرست نگهداری می‌شوند. دعا می‌کنم این دلنگی دوطرفه زودتر تمام و در مراکز دوباره برای بیرون آمدن بچه‌ها و برای بازپرداخت آدم‌های مهربان باز شود.

روایت مجازی

چرا باید با سپاه تماس گرفته شود...؟

قدس زندگی / ... هنگام صدور گواهی فوت متوفیان مبتلا به کرونا که در منزل جان باختند حتماً باید با نمایندگان شبکه بهداشت و سپاه پاسداران تماس گرفته شود!



وقتی شایعه و خبرهای دروغ می‌توانند در فضای حقیقی و مجازی، دستمایه هزار جور حرف و حدیث و انتقاد و دعوای سیاسی و غیرسیاسی شوند، بدون شک یک خبر که یا سند و مدرک همراه است و حاصل فتوشاپ و این‌جور چیزها نیست، خیلی بیشتر می‌تواند سبب جنجال شود.

به هر حال معلوم نیست کدام شیر پاک خورده‌ای، بدون هیچ توضیحی، تصویر و متن این نامه را که مربوط به ۷ فروردین ۹۹ بود، در فضای مجازی منتشر کرد تا خیلی از کاربران با انتقادهای تند، حمله به سپاه و بسیج و دیگر مسئولان را آغاز کنند و برخی از بی‌اعصاب‌های این فضا هم که الگار با جنجال‌ها و حاشیه‌های فضای مجازی نفس می‌کشند، شروع به تفسیر و تأویل‌های عجیب و غریب کنند!

با اعصاب‌تر و منطقی‌ترهایش هم بقیه مسئولان وزارت بهداشت را بگیرند که: «آقای سخنگوی وزارت بهداشت! چرا باید برای صدور گواهی فوت افراد کرونا مثبت یا مشکوک به کرونا با نماینده سپاه پاسداران تماس گرفته شود؟» خلاصه اگرچه کمی طول کشید اما در نهایت «علیرضا وهاب‌زاده» مشاور وزیر بهداشت و مسئول فضای مجازی ستاد ملی مقابله با کرونا در فضای مجازی مجبور به توضیح شد تا شک و شبهه‌ها برطرف شود و همه بدانند چرا هم‌زمان با صدور گواهی فوت مبتلایان به کرونا، باید به سپاه و بسیج هم اطلاع داده شود. وهاب زاده در این‌باره گفت: «عملیات ضدعفونی منازل و انتقال جسد فوت‌شدگان بر اثر کرونا و دفن آن‌ها توسط تیم‌های مشترک بسیج و نیروهای بهداشت انجام می‌شود. این تیم‌ها از ابتدای طرح بسیج ملی مقابله با کرونا در حال غربالگری و ضدعفونی اماکن هستند.»



بازنگری در آموزش زبان فارسی کتاب‌های درسی

در این روزها بر اثر تغییراتی که در شکل آموزش دانش‌آموزان رخ داده، والدین بیش از پیش در جریان مطالب آموزشی فرزندانشان قرار می‌گیرند، چون به پل انتقال مطالب میان معلم و دانش‌آموز بدل شده‌اند. در این میان محتوای آموزشی زبان و ادبیات فارسی به خصوص در حوزه شعر برایم جالب بود، از این جهت که بعضی از چیزهایی که برای دانش‌آموزان یاد داده می‌شود، حتی برای خود شاعران هم کارایی و ضرورت ندارد.

البته این را می‌پذیرم که آموزش ادبیات‌فارسی اکنون نسبت به آن سال‌هایی که ما درس می‌خواندیم یعنی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ خیلی متحول شده و به‌روزتر است. اکنون ادبیات معاصر، ادبیات داستانی، گونه‌ها و ژانرهای مختلف آموزش داده می‌شوند که در آن زمان چندان خبری از آن‌ها نبود. ما فقط متن می‌خواندیم و تاریخ ادبیات و لغت حفظ می‌کردیم و دستور می‌آموختیم، ولی با این هم به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از این مطالب عملاً کاربرد ندارند، از جمله وزن، قافیه و آرایه‌های ادبی به شکلی که آموزش داده می‌شوند.

وزن شعر البته در شعر اهمیت و اثری بسیار دارد و کامل‌کننده موسیقی آن است، ولی انواع مختلف وزن به راستی موضوعیتی ندارد، دست‌کم برای عموم مخاطبان شعر که غیرشاعران هستند، شما بارها این سه غزل حافظ را شنیده‌اید «سال‌ها دل طلب جام‌چم از ما می‌کرد» و «بیا که قصر امل سیخست سست بنیاد است» و «دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را» ولی تاکنون برای شما این مهم بوده که این‌ها در سه وزن مختلف است و هر یک چه وزنی دارد؟ اختلاف وزن شعر البته در حوزه موسیقی بسیار مؤثر است، یعنی یک آوازخوان برای مطابق ساختن شعر با ملودی موردنظر خود یا برعکس، به شناخت وزن نیاز دارد. همین طور برای خود شاعر مهم است که شعرش همه بر یک وزن یا یک زنجیره وزنی سرورده شده باشد، ولی برای مخاطب شعر اهمیتی ندارد که «فاعلاتن» و «مفاعیلن» چیست. در جایی خواندم تعداد شاعران زنده ایران حدود ۸۰هزار نفر است، با این وصف حدود یک‌هزارم جمعیت جامعه، شاعرند. پس می‌شود گفت تقریباً هر هزار دانش‌آموز، فقط یکی از آن‌ها به تسلط بر وزن شعر نیاز خواهد داشت و تازه آن هم در زمانی که در تشخیص وزن شعری که سروده است، در تردید باشد. تازه او هم می‌تواند وزن را به کمک منابع آموزشی غیردرسی یاد بگیرد.

چند از وزن، آرایه‌های ادبی‌ای که دانش‌آموزان می‌خوانند نیز چنین است. برای کسی که می‌خواهد از شعری لذت ببرد یا شعر خوب را از شعر بی‌کیفیت تشخیص دهد، همین کافی است که ببیند این شعر از تخیل برخوردار است و تخیل آن شفاف و تازه است یا نه. اینکه عناصر خیال شعرش از چه جنس است و چه دسته‌ها و شاخه‌هایی دارد غالباً به کار نمی‌آید، حتی برای من که سال‌هاست شعر می‌نویسم و بسیار مطالب و کتاب‌های آموزشی درباره شعر نوشته‌ام، شناخت انواع تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه چندان اهمیتی نداشته است. من نه در هنگام سرودن شعر به این اندیشیدم‌ام که این استعاره در شعرم «استعاره مصرحه» است یا «استعاره مکنیه» و نه در هنگام لذت بردن از یک شعر، این‌ها فقط در هنگام نقد و ارزیابی شعر به کار می‌آید. ولی مگر چند دانش‌آموزی که این دسته‌بندی‌ها را می‌خوانند قرار است منتقد ادبی در رشته شعر شوند؟ با این وصف به نظر می‌رسد متون آموزشی ما حداقل در حوزه ادبیات به یک بازنگری نیاز دارد، دست‌کم در حوزه شعر این قضیه برای من که سال‌هاست با شعر، آموزش و نقد آن سروکار داشته‌ام، ملموس است. در حوزه دست‌ورزان به سبب وقوف نداشتن کافی در آن حوزه اظهارنظر نمی‌کنم، هر چند احتمال می‌دهم که در آنجا هم این بازنگری لازم است.

خبر

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:



پیگیر خسارت‌های اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه هستیم

ادب و هنر: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جدیدترین توییت خود نوشت: موضوع خسارت‌های اصحاب فرهنگ، نشر، هنر، سینما، رسانه، آموزشگاه‌ها، چاپ، مؤسسات، آموزشگاه‌ها، چاپ، مؤسسات، کانون‌ها و... مورد پیگیری جدی است.

در متن توییت سیدعباس صالحی آمده است: «موضوع خسارت‌های اصحاب فرهنگ، نشر، هنر، سینما، رسانه، آموزشگاه‌ها، چاپ، مؤسسات، کانون‌ها و... مورد پیگیری جدی است‌از صنوف ده‌گانه مصوب هستند که قرار شد مورد حمایت قرار گیرند.

قریب به دو ماه تعطیلی غالب این صنوف و نمایشگاه کتاب تهران و... ضربه سختی است. برآورد خسارات داشته و پیگیریم.»

موسیقی

دونوازی کامکار و گنجهای در روزهای کرونایی

ایستنا: اردشیر کامکار و کامبیز گنجهای، دو هنرمند موسیقی ایرانی با پیوستن به پوش «مشاهیر»، قطعه‌ای را برای مردمی که این روزها در حال گذراندن شرایط دشوار قرنطینه در خانه‌هایشان هستند، اجرا کردند.

اردشیر کلکار، نوازنده کمانچه و کامبیز گنجهای، نوازنده تمبک با همراهی یکدیگر ویدئویی از ناخن‌قطعه‌ای به آهنگ‌سازی «داوود گنجهای» را در قالب پوش «مشاهیر» (همراهی هنرمندان با مردم در قرنطینه خانگی) به‌اشتراک گذاشتند.

پیش از این هنرمندانی از عرصه موسیقی چون عبدالوهاب شهیدی (خواننده و نوازنده پیشکسوت)، علی‌اکبر ششکارچی، بهناز ذاکری (آهنگساز و نوازنده سنتور) و همسرش مسعود لقاق(نوازنده فلوت)، فاضل جمشیدی (خواننده با ساخت قطعه‌ای از ترانه علیرضا بهرامی) و... در قالب ویدئوهای مشترک با مجزآ با پوش مشاهیر مشارکت کرده بودند. پوش مشاهیر با هدف کمک به ارتقای سلامت روان جامعه از اوایل فروردین ماه آغاز شد و جمعی از هنرمندان با صدور بیانیه‌ای از مشارکت حداکثری خود در ۱۰۰ روز آینده برای تولید آثار هنری در فضای مجازی در روزهای خاننشینی خبر دادند.

گفت‌وگو با عباس زارعی به انگیزه انتشار تازه‌ترین ترجمه‌اش که مورد اقبال مخاطب قرار گرفته است

اگر حقیقت این باشد...

ادب و هنر/ خدیجه زمانیان | رمان «اگر

حقیقت این باشد» اثر کالین‌هورو با ترجمه عباس زارعی درباره زندگی نویسنده‌ای است که با مشکلات مالی بسیاری روبه‌روست.

«لئون‌اشلی» نویسنده تازه‌کاری است که با مشکلات مالی فراوانی دست به گریبان است و در آستانه ورشکستگی قرار دارد. درست زمانی که همه درها به رویش بسته شده روزنه‌ای از امید به رویش باز می‌شود. جرمی کرافورد، شوهر نویسنده معروف «وریتی کرافورد» به او پیشنهاد کاری پر درآمد می‌دهد. جرمی از لوئن می‌خواهد تا مجموعه رمان ناتمام همسر ناتوانش را به پایان ببرد، اما...

رمان در ژانر عاشقانه و معمای نوشته شده و همه معیارهای سرگرم‌کنندگی یک داستان خواندنی را دارد. همه این‌ها به علاوه توجه به زندگی روزمره یک نویسنده که موضوع این رمان است همیشه برای مخاطب جذاب بوده است.

کالین‌هورو، نویسنده کتاب ۱۰ رمان نوشته که بیشتر آن‌ها فضایی عاشقانه و معمای دارند. تقریباً اکثر آثار او جزو پر فروش‌ترین‌های نیویورک‌تایمز بوده‌اند. خانم هورو لیسانس علوم‌اجتماعی دارد و تاکنون نامزد و برنده جوایز ادبی زیادی برای آثارش شده است. «اگر حقیقت این باشد» پر فروش‌ترین کتاب سسال لقب گرفته و شاید خواندن آن در این روزها خالی از لطف نباشد.

عباس زارعی جزو مترجمانی است که تا به حال بیش از ۵۰ اثر ترجمه کرده که حدود ۴۰ عنوان از آن‌ها منتشر و روانه بازار کتاب شده است. بسیاری از این عناوین شامل کتاب‌های علمی و رمان برای گروه سنی کودکان و نوجوانان و ۱۰ عنوان برای بزرگسالان است. «زندگی اسرارآمیز» نوشته سوماتک کید، «جانان‌مرغ دریایی» اثر ریچارد باخ، «مزرعه حیوانات» نوشته جورج اورول، «نامه به کودکی که هرگز زاده نشد» اثر اوریانا فالاچی، «هدف» اثر براین تریسی، مجموعه علمی ۲۰ جلدی برای نوجوانان، مجموعه داستان «پرسی جکسون و ایزدان المپ» اثر ریک ریوردان و... از آثاری هستند که این مترجم دست به ترجمه آن‌ها زده است.

گفت‌وگویی ما را با عباس زارعی درباره اثر او و حرفه ترجمه بخوانید.

◆ چه شد کتاب «اگر حقیقت این باشد» را ترجمه کردید؟

ترجمه این اثر از سوی ناشر پیشنهاد شد و پس از خواندن و بررسی، آن را پسندیدم و تصمیم به ترجمه‌اش گرفتم.

◆ پیش از ترجمه این‌ اثر، کالین‌هورو را می‌شناختید؟

پیش از ترجمه این اثر، رمان دیگری را با عنوان «ما تعامش می‌کنیم» از این نویسنده خوانده‌بودم و وقتی بنا شد رمان «اگر حقیقت این باشد» را ترجمه کنم، احوال و آثار نویسنده را بررسی کردم تا بیشتر با قلم و سبک ایشان آشنا شوم.کالین

هورو، نویسنده‌ای آمریکایی است که بیش از ۱۰ رمان را به رشته تحریر درآورده است. بیشتر آن‌ها فضایی عاشقانه دارند و جزو پر فروش‌ترین‌های نیویورک‌تایمز بوده‌اند. کالین‌هورو تاکنون نامزد و برنده جوایز ادبی زیادی برای آثارش شده است.

◆ ترجمه اثر چطور بود؟

وجود دو راوی در داستان ترجمه آن را مشکل می‌کرد، چرا که دو سبک مختلف در روایت وجود داشت و از طرفی دو زمان مختلف. شخصیت لوئن داستان را در زمان حال روایت می‌کرد و شخصیت وریتی با استفاده از زمان گذشته داستان را بازمی‌گفت. این مسئله دقت زیادی را می‌طلبد که ترجمه درست از کار دربیاید.

◆ مخاطب ایرانی ژانرهای معمای و عاشقانه را دوست دارد که این رمان هم در همین دو ژانر نوشته شده است. آیا به دلیل آگاهی از اقبال مخاطب دست به ترجمه این کتاب زدید یا رمان ویژگی داشت که شما را مصمم به ترجمه آن می‌کرد؟

دو عنصر مهم برای ایجاد کشش در داستان وجود دارد، یکی طرح معما و دیگری روایت ماجرای عاشقانه. این دو عنصر خواننده را به دنبال خود می‌کشد تا به حل آن معما برسد، یا به سرانجام آن رابطه عاشقانه پی ببرد. گذشته از آن، موضوع داستان حول محور نویسندگی می‌گردد که از این جهت برای من جذاب بود. «ما تعامش می‌کنیم» از این نویسنده خوانده‌بودم و وقتی بنا شد رمان «اگر حقیقت این باشد» را ترجمه کنم، احوال و آثار نویسنده را بررسی کردم تا بیشتر با قلم و سبک ایشان آشنا شوم.کالین



دو عنصر مهم برای ایجاد کشش در داستان وجود دارد؛ طرح معما و روایت ماجرای عاشقانه. این دو عنصر خواننده را به دنبال خود می‌کشد تا به حل آن معما برسد

یک نویسنده با کار او و مسائلی از این دست را می‌توان در این رمان یافت. در این رمان سیاهی درونی انسان به خوبی به تصویر کشیده شده و به قول خانم شاری‌لاینا موجب می‌شود فکر کنیم «تقریباً هر کاری از آدم‌ها برمی‌آید».

◆ رمان بسیار پر کشش نوشته شده و مخاطب نمی‌تواند آن را زمین بگذارد. چطور یک نویسنده می‌تواند اینچنین مسحورکننده و پر کشش کتابی بنویسد؟

نویسنده با شناخت درست از روح، روان و زندگی انسان‌ها و آگاهی از ابزاری که برای نویسندگی در اختیار دارد، می‌تواند چنین اثری بیافریند. طوری که خواننده بتواند خود را در داستان ببیند، جای شخصیت‌ها بنشیند، با آن‌ها زندگی کند و مشکلات و مسائالش را در کنار شخصیت‌های داستان حل کند. رمان قالبی است که می‌تواند بسیار آموزنده باشد و به طور غیرمستقیم شیوه زندگی و نحوه کنار آمدن با مسائل و مصائب آن را به مخاطب بیاموزد.

«تاریخ ایران» هدیه نوروزی نشر ققنوس



◆ دوست دارید چه اثری از چه نویسنده‌ای را ترجمه کنید که هنوز موفق به برگردان آن نشده‌اید؟

دوست دارم در آینده به ترجمه اشعار و آثار گرآنمایه ادبیات جهان بپردازم که با مطالعه و بررسی دقیق و عمیق این آثار و تسلط بر شعر و ادب پارسی و مجاهدت بسیار میسر و ممکن خواهد شد.

◆ به صورت حرفه‌ای ترجمه می‌کنید؟ چقدر از زمان و وقت خود را به ترجمه اختصاص می‌دهید؟

به نظر من مترجم حرفه‌ای کسی است که کار، زندگی و تمرکزش ترجمه باشد، تا جایی که امکان دارد تحصیلاتی در این زمینه داشته باشد، اصول و نظریات ترجمه را به خوبی بداند و از نظر تجربی نیز آثار گرآنمایه‌ای را ترجمه کرده باشد. اگر اشتباه نکنم، استاد بهاء‌الدین خرمشاهی در کتاب گرانسنگ «ترجمه کاوی» مترجمی را که بیش از ۳هزار صفحه ترجمه کرده باشد، حرفه‌ای قلمداد کرده‌اند. فکر می‌کنم در این سال‌ها به لحاظ حجم بیش از ۱۰ هزار صفحه ترجمه کرده باشم، اما ترجمه تنها حرفه من نیست و به کارهای دیگری نیز اشتغال دارم. به طور میانگین، معمولاً روزی دو، سه ساعت ترجمه می‌کنم که حاصل آن سه چهار کتاب در سال می‌شود.

◆ وضعیت ترجمه در ایران چطور است و چه خلأیی وجود دارد؟

به لحاظ کمی وضع ترجمه خوب است و درصد زیادی از آثار منتشر شده، ترجمه هستند. اما از نظر کیفی باید دقت و نظارت بیشتری وجود داشته باشد و از شنازدگی پرهیز شود. مهم‌ترین مشکلی که وجود دارد، عدم‌تسلط و توجه مترجمان به زبان مقصد (پارسی) است که معمولاً متن روان و قابل قیولی ارائه نمی‌دهند.

◆ موافق توجیه مخاطب ایرانی به ترجمه هستید؟ فکر می‌کنید این توجیه به چه دلیل اتفاق افتاده است؟

به طور کلی ما با فرهنگ، ادب و معارف بشری سر و کار داریم و مرزهای جغرافیایی در این زمینه تعیین‌کننده نیستند. ایران یک کشور است از دهن‌ا کشور که بر این کره‌خاکی وجود دارد و طبیعی است که تولید محتوای ادبی و فرهنگی در یک کشور نمی‌تواند با تمام کشورهای دیگر برابری کند. بنابراین هر اثر خوب و ممتازی را از هر نقطه از عالم که باشد، باید خواند و بهره گرفت. دل‌بستگی زیادی به شعر، ادب و زبان پارسی دارم و پیشهاد می‌کنم مخاطبان خواندن آثار فاخر ادب پارسی را نیز در برنامه مطالعات خود قرار دهند. از جمله آثار سعدی، مولانا، حافظ، فردوسی، نظامی و دیگر شعرا که بسیار شیرین هستند و گنج‌های حکمت، معرفت، فلسفه و اخلاق را می‌توان در آن‌ها یافت، آموخت و بهره برد.

ققنوس: تاریخ ایرانیان آکسفورد کتابی است که به نویسندگی ۱۶ خاورشناس تحت نظارت تورج دریایی نوشته شده است. کتاب با فصل ورود آریایی‌ها به فلات ایران آغاز می‌شود، با مرور عهد باستان و سپس دوران اسلامی و پس از آن دوره‌های متاخرتر تاریخ ایران ادامه پیدا می‌کند و با انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور پایان می‌گیرد. تورج دریایی می‌گوید: در این کتاب به همه دوره‌های تاریخ ایران از دوران پارینه‌سنگی که کمتر به آن توجه می‌شود تا امروز به‌طور نسبتاً کاملی پرداخته شده است. ویژگی کتاب تاریخ ایرانیان آکسفورد، مرور هر دوره تاریخی ایران توسط متخصص و تاریخ‌نگار همان دوره است. مثلاًنویسنده‌یخس تاریخ قاجار، منصوره اتحادیه‌نظام‌یاف، پژوهشگر این دوره است و بخش مربوط به ایران پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ را مزایار بهروز، تاریخ‌پژوهش دوره معاصر ایران نوشته است. این کتاب در عین مجمل‌بودن، منبعی راه‌گشا، مفید و قابل‌اعتماد درباره تاریخ ایران است. آنچه این کتاب را از دیگر آثارى که در این زمینه نوشته شده‌اند متمایز می‌کند، نگاه یکسان آن به دوره‌های مختلف تاریخ ایران است. کتاب با مقاله‌ای درباره دوران پارینه‌سنگی و ظهور شاهنشاهی هخامنشی آغاز می‌شود و با مقاله‌ای با عنوان «ایران پس از انقلاب (۱۳۸۸-۱۳۵۷ش)» پایان می‌پذیرد. این پژوهش در ۱۶مقاله تخصصی که حاصل تلاش کارشناسان دوره‌های مختلف تاریخ ایران است، اطلاعات مفید و ارزشمندی در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد. این اثر توسط نشرققنوس منتشر شده و این نشر در چاپ اول آن را به طور رایگان به مشتریان خودش به عنوان هدیه نوروزی تقدیم کرده است.

به طرف کتاب



باشند می‌سوزد و حاضر است نجات آن‌ها کار گری کند. مترجم کتاب «پسری که با پیران‌ها شنا کرد» ریحانه جعفری است، مترجمی که توانسته ترجمه‌ای روان از اثر را به نوجوانان پیشنهاد کند. اگر پسر نوجوانی دارید این کتاب می‌تواند هدیه‌ای خواندنی برای او باشد تا چند ساعتی را با جادوی کلمات سر کند.

دوست داشته باشند جای استنلی باشند.

استنلی غیر از اینکه پسری است شجاع و همین خاصیت او موجب می‌شود همسن و سال هایش او را دوست داشته باشند، مهربان هم هست. این مهربانی را در همان صفحات شروع کتاب می‌بینیم جایی که او به سیرک رفته و دلش برای ماهی‌هایی که قرار است جایزه شکار اردک‌های پلاستیکی

خود را جذب کند چون نوجوان خودش را در صفحات کتاب پیدا می‌کند. به او قدرت می‌دهد تا بتواند خیال‌پردازی کند و

به دنبال تحقق رؤیاهای خودش برود و در این میان نویسنده توانای اثر دیوید آل‌موند دست شخصیت معمولی داستانش را می‌گیرد و او را پله‌پله می‌برد تا در پایان کتاب از یک قهرمان بسازد که شاید خیلی از نوجوانانی که کتاب را می‌خوانند

«پسری که با پیران‌ها شنا کرد» می‌تواند به خوبی مخاطب

◆ «پسری که با پیران‌ها شنا کرد»

استنلی‌تاز با خاله و شوهرخاله‌اش یا به قول کتاب عموش زندگی می‌کند. او پسری ۱۱ساله است. پدر او در تصادفی وحشتناک کشته شده و مادرش از غصه دق کرده است. سرپرستی او به خاله و شوهرخاله‌اش واگذار شده،